

سی و پنج امین جلسه از سلسله جلسات هفتگی پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل

"جامعه شناسی سیاسی وهابیت در عربستان"

سی و پنج امین جلسه از سلسله جلسات هفتگی پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل با موضوع "جامعه شناسی سیاسی وهابیت در عربستان" در روز سه شنبه نوزدهم آبان ماه در سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار گردید.

در ابتدا یکی از اعضای پژوهشکده با بیان دو مقدمه به طرح مسئله پرداختند. اول اینکه از جامعه شناسی سیاسی چه مقصودی داریم و دومی که مهمتر از آن است این که دلایل مهم پرداختن به این موضوع (جامعه شناسی سیاسی وهابیت در عربستان) چیست. جامعه شناسی از دیدگاه گروهی به بحث منازعات طبقاتی می پردازد، گروهی دیگر معتقدند که جامعه شناسی سیاسی به بررسی پدیده هادر مناسبات قدرت می پردازد و عده ای نیز معتقدند جامعه شناسی سیاسی به مشروعیت سیاسی توجه دارد. می توان گفت که هر سه دیدگاه قابل تصور است. درباره وهابیت بعنوان یک جریان فکری در چند عنصر اصلی می توان به آن پرداخت. یکی در مقوله مشروعیت زایی این جریان یا مشروعیت بخشی قدرت است. در بعد دیگر مسئله هویت بخشی و ملت سازی است و اینکه وهابیت در موضع قدرت در چه موقعیتی است نیز راه مسئله ی دیگری است.

اهمیت مسئله جامعه شناسی وهابیت این است که می بینیم در حال حاضر این وهابیت در شرایط امروز ظهور و بروزی پیدا کرده و جنبه های خشونت آمیز را به شدت در سطح منطقه شاهد هستیم. خود این مسئله مهم است چرا وهابیت به این سمت سوق داده شده؟ آیا این حرکت از سوی وهابیت جدید است؟ یا سابقه دیرینه دارد؟ در اینجا نقش عربستان در جهان اسلام هم مهم است. عربستان در چند دهه اخیر در جهان تسنن سیادت پیدا کرده از جهت خادم الحرمين بودن، بالطبع این سیادت با وهابیت هم ارتباط پیدا می کند. به نظر خود این سیادت سعودی ها هم مهم است. مسئله دیگری که اهمیت دارد این است که چیزی که ما شاهد آن هستیم این است که دنیای مدرن با وهابیت مشکلی ندارد و عکس العمل تندى سوي وهابيت نشان نداده است يا ساز و کارهای وهابیت را مورد تحدید قرار نداده است. این خود سوال برانگیز است می توان گفت که رابطه هویتی میان وهابیت و اندیشه مدرن یا غرب برقرار است که علیه او عکس العمل تند نشان نمی دهد یا اینکه مسئله تاکتیکی است. دلیل دیگری که می توان اضافه کرد مشاهدات خود بنده بود که در حج امسال در مکه و مدینه شاهد آن بودیم. خصوصاً در مکه مردمی که با آنها در تماس بودیم نوع رفتارشان و حضور پررنگ وهابیت در

این رفتارها برای من بحث برانگیز بود خصوصاً لحظه خروج از منا و ورود به شهر عکس العمل معمولی بود و هیچ تغییری در رفتار مردم وجود نداشت. در مراکز مذهبی هم همینطور بود. احساس می شود که این قضیه ارتباطی با وهابی گری دارد و تصورم بر این بود که شاید یکی از این زاویه بتواند این قضیه را مطرح کند.

یکی دیگر از اساتید بیان داشتند: از بدو اسلام دو جریان داشتیم جریان شیعی و جریان تسنن. وهابیت چیز سومی بود که پدید آمد و در تاریخ اسلام سابقه نداشت؛ این هم بحث علمی دارد هم بحث سیاسی دارد هم بحث اجتماعی دارد حتی اختلاف بین شیعه و سنی با تمایزاتی که بین وهابیت و مسلمانان بوده اینگونه نبوده است. یعنی شیعه و سنی با اختلاف در کنار هم زندگی می کنند ولی وهابیت همه چیز دارد و اختلافات را به همه عرصه ها کشانده است و از وقتی متولد شده همیشه مسئله بوده است، از عوارض آن بعضی خشونت ها و قدرت ها و رفتارهای سیاسی است. وهابیت از سیصد سال گذشته دائماً مسئله بوده الان هم وقتی مسئله ای مثل داعش اتفاق می افتد وهابیت دو مسئله خواهد شد. خود وهابیت نه در سابقه تاریخ اسلام مثل و مانندی نداشته و جهان اسلام با آن درگیر است.

آغازکننده بحث در ادامه مطلب به اصل بحث اشاره کردند: چیزی که در مردم عربستان شاهد آن بودیم یک دیانت فردی شده در عربستان وجود دارد که هیچ ظهور و بروزی در عرصه جامعه و سیاست ندارد و فقط در بعضی رفتارها مشاهده می شود و ظهور و بروز مذهبی فقط در مکانهای مذهبی مثل مساجد دیده می شود خارج از این مکانها هیچ گونه ظهور و بروزی وجود ندارد. حتی بسیاری از مساجد تاریخی تخریب شده است که این خیلی مهم است از طرف دیگر مساجدی ساخته شده که کاملاً مدرن و با تجهیزات هستند. سعی بسیار شده که بسیاری از نمادهای دینی حتی در مساجد انجام نشود مثلاً نام پیامبر (ص) همراه با صلوات نمی باشد. گرایش بی احترامی و بی حرمتی نسبت به مساجد تاریخی در آن وجود دارد که نوعی تقدس زدایی از مساجد محسوب می گردد. خوابگاه بودن مساجد یک نمونه از بی احترامی سعودی هاست. یعنی اندازه ای که خوابگاه بودن نمود دارد عبادتگاه بودن مساجد نمود ندارد. پیامد این تقدس زدایی این است که قدرت خیلی راحت توانسته سلطه مقتدرانه پیدا کند. پرسش این است که چه چیزی در فردی شدن دیانت نقش داشته است؟ پاسخ این است که وهابیت در فردی شدن دیانت در عربستان بسیار موثر بوده است مضافاً اینکه علاوه بر فردی شدن دیانت در یک نوع ملت سازی و دولت سازی نیز وهابیت نقش داشته است. حاکمیت جدید در عربستان تا آنجایی است که پژوهشگران غربی از آن به عربستان مدرن یاد می کنند.

دیگر عضو نشست بر این نکته نظر داشتند که وجه مساله ساز بودن وهابیت در این بحث روشن نیست و کمتر از نگاه جامعه شناسی سیاسی به موضوع توجه شد. مطلب بعد آنکه دیانت فردی شده بیشتر آلت دست قدرت است یا دیانت سیاسی شده؟ به نظر دیانت سیاسی شده بیشتر مطمع نظر قدرتمندان است. به این نکته نیز باید توجه کرد که چگونه یک عقیده از سویی دیانت را فردی می کند و از سوی دیگر در ملت سازی نقش دارد.

در این باره توضیح داده شد که که دیانت وقتی فردی شده است آلت دست قرار می گیرد و وسیله ای برای سیاست شده و به دیانت سیاسی شده تبدیل می شود. بنابر این دیانت سیاسی شده روی دیگر دیانت فردی شده است. اما وجه فردی شدن دیانت آن است که انسان تربیت شده وهابی تنها است و با کسی نمی تواند ارتباط برقرار کند چرا که شرک محسوب می شود، حتی عقاید دینی خود را نمی تواند بروز دهد زیرا معتقد است یکی از مظاهر شرک می باشد. از این رو تقدس زدایی می شود تقدس زدایی یکی از جنبه های وهابیت است مثلاً کسی که مرده است هیچ کاری برای او نمی کنند و فقط تحویل کارگر قبرستان می دهند و حتی محل قبر را نیز مشخص نمی کنند و اعتقاد دارند که یکی از مصادیق شرک است.

دیگر عضو نشست علمی به جنبه های استفاده ابزار از دین توسط جریانهای افراطی وهابی و یهودی و نیز پیروی محض جامعه وهابی از راس قدرت اشاره کردند. دیگر شرکت کننده نشست به تفصیل درباره جریان شناسی احیای اسلامی و نسبت آن با سلفی گری در گذشته و حال در عربستان مطالبی مطرح کردند. نشست علمی پژوهشکده در هفته آینده به همین موضوع می پردازد. ۱